

نقدی بر محرومیت زوجه در ارث از زمین

(نظر به ماده ۹۴۶ ق.م.)

محمد علی خیراللهی

چکیده

یکی از فتاوای مشهور در میان فقها، این است که زوجه نه از عین زمین ارث می برد و نه از قیمت آن؛ نویسندگان قانون مدنی نیز در هنگام تدوین، بر این نظریه تاکید کرده و در ماده آورده‌اند: زوج از تمام اموال زوجه ارث می‌برد ولیکن زوجه از اموال ذیل: ۱- از اموال منقوله از هر قبیل که باشد ۲- از ابنیه و اشجار. اما اگر کتب فقهی موجود را بررسی کنیم، ملاحظه می‌کنیم که نظریه فوق تنها یکی از دیدگاههاست فقهاء زیادی از دیر باز این نظریه را رد کرده‌اند. پس از بیان روایات موافق و مخالف، و دیدگاه‌های فقهایی که در دو گروه موافقین و مخالفین قرار گرفته‌اند، مطالب ذیل را به عنوان نتیجه می‌توان بیان کرد: محرومیت زوجه از ارث در زمین به سادگی آن را پذیرفتنی نیست، بلکه به نظر می‌رسد با در نظر گرفتن مجموع أدله مناسبتر است که بگوییم: ما در اصل بردن میراث از سوی زوجه به اطلاق آیه عمل می‌کنیم و با توجه به اینکه ۱۷ روایت در تخصیص آیه وارد شده است، به این اخبار توجه می‌کنیم. از آنجا که این اخبار بنا به اعتراف بسیاری از موافقین، صلاحیت تخصیص آیه را ندارند. بنا براین اصل ارث از زمین ثابت است. در جمع با آیه نظریه سید مرتضی متین است که فرمود: ارث از قیمت زمین طریق جمع میان آیه و این اخبار است. بسیاری از جمله علامه و غیره قرار گرفته است. از سویی دیگر دو روایت مشهور نیز وارد شده است: که زوج در صورتی که دارای فرزند باشد، از زمین ارث می‌برد. بنابراین: در صورتی که زوجه، فرزندی از شوهر خود داشته باشد، علاوه بر قیمت منقولات، از قیمت زمین نیز براساس سهام مفروض (یک هشتم) ارث می‌برد.

کلید واژه‌ها

زوجه، ارث، رباع(خانه)، اشجار(درختان)، بناء، محرومیت

طرح بحث

ارث در لغت از ماده ورث و به معنی بقاست، در اصطلاح فقهی و حقوقی به معنای انتقال دارایی و حقوق (میراث) شخص در گذشته (مورث) به شخص زنده (وارث) است که با رعایت شروط و موازینی خاص انجام می پذیرد. (لجنة تحقیق، موسوعه جمال عبد الناصر، ج ۴ ص ۲۷۸، جعفری لنگرودی، محمد جعفر، دوره حقوق مدنی، ارث، ج ۱ ص ۱۹)

آنچه میان فقهاء در اعصار کنونی از فتاوی مشهور محسوب می شود، این است که زوجه نه از عین زمین ارث می برد و نه از قیمت آن، نویسندگان قانون مدنی نیز در هنگام تدوین، بر این نظریه توجه کرده و در ماده ۹۴۶ نوشته اند: زوج از تمام اموال زوجه ارث می برد ولیکن زوجه از اموال ذیل: ۱- از اموال منقوله از هر قبیل که باشد ۲- از ابنیه و اشجار. همانگونه که در این ماده آمده است: زوجه از میراث در زمین محروم می باشد. اما اگر در کتب فقهی موجود سیری گذرا داشته باشیم، به سادگی ملاحظه می کنیم که نظریه فوق تنها یکی از دیدگاهها بوده و همانگونه که در آینده بیان خواهیم داشت فقهاء زیادی از دیر باز این نظریه را رد کرده اند. البته مناسب است این نکته را متذکر شوم که به قول سید مرتضی، این مسأله از متفردات امامیه است، و اهل سنت بر اساس اطلاق آیه «ولهن الربع مما ترکتم ان لم یکن لکم ولد» (سوره نساء، آیه ۱۱) به زوجه یک چهارم کل اموال زوج را پرداخت می کنند و هیچگونه تخصیص یا تقییدی را بر این آیه قابل نیستند.

میراث زن در تاریخ

از هنگامی که انسان زندگی اجتماعی خویش را با تشکیل خانواده آغاز کرد و مالکیت فردی برای او شناخته شد، مسأله میراث نیز برای او مطرح شده و مورد توجه قرار گرفت و زنان نیز در این میان جای داشته و در ملل مختلف وضعیت میراث زنان متفاوت بود.

در ایران باستان دو عنوان برای زنان مطرح بوده است: زن ممتاز و چاکر زن، زنان ممتاز و پسرانش به یک میزان ارث می بردند ولی چاکر زن و فرزندان حق ارث نداشتند. ولی پدر

می‌توانست در زمان حیات خود چیزی به آنها ببخشد و یا وصیتی بنماید دختری که ازدواج می‌کرد از پدر دیگر ارث نمی‌برد. (کریستین سن، پرفسور آرتور، ترجمه‌ی رشید یاسمی، ۱۳۵۱، ایران در زمان ساسانیان، ص ۳۵۷)

در یونان باستان میراث خانواده به بزرگترین پسر می‌رسید و دیگران عموماً از ارث محروم بوده‌اند. رومیها خانواده را واحدی مستقل می‌دانستند و سرپرست خانواده مالک مطلق اموال بود و هنگامی که پدر می‌مرد یکی از پسران یا برادران او که می‌توانست خانواده را سرپرستی کند، تمام اموال را تحت اختیار خود قرار می‌داد. (جمعی از محققین، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۹، ج ۷، ص ۴۵۰)

در شریعت یهود اصل کلی مبتنی بر محرومیت زنان به ویژه زوجه از ارث است و در تورات آمده است:

تا وقتی که فرزند پسر وجود داشته باشد، دختر ارث نمی‌برد و چنانکه برای متوفی پسری نباشد، ارث او به دخترانش می‌رسد. (تورات سفر اعداد ۲۷: ۸- به نقل از دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ج ۷، ص ۴۵۰)

در میان عرب پیش از اسلام سه گونه نسبت موجب ارث بود: ۱- قرابت نسبی ۲- فرزند خواندگی ۳- ولاء. هر قرابتی نیز موجب ارث نمی‌شد، بلکه مرد بودن، بلوغ، قدرت دفاع، و حمل سلاح از شروط آن بود.

با ظهور شریعت اسلام و نزول قرآن، شیوه محروم کردن زنان از ارث، مانند بسیاری از آداب جاهلی باطل شد، و ضمن تثبیت ارث برای زنان، قاعده دو برابر بودن سهم مردان نسبت به زنان مطرح گشت. (ابو یقظان، حکم المیراث فی الشریعه الاسلامیه، ص ۱۹)

در قوانین اسلام هیچ یک از هیچ یک از ناهمگونیهایی عرب جاهلی در مورد ارث وجود ندارد. آنچه در قوانین اسلامی اعتراض مدعیان تساوی حقوق را بر می‌انگیزد، سهم الارث زن است که معادل نصف سهم الارث مرد تعیین کرده اند.

پسر دو برابر دختر، برادر دو برابر خواهر، و شوهر دو برابر زن ارث می‌برد. تنها در مورد پدر و مادر است که اگر میت فرزندی داشته باشد و پدر و مادرش نیز زنده باشند، هر یک از پدر و مادر یک ششم از مال میت را به ارث می‌برند.

در اسلام به سبب وضع خاصی که مرد به لحاظ مهر، نفقه و برخی قوانین جزایی دارد، سهم الارث زن، نصف سهم؛ یعنی موقعیت ارثی زن معلول وضع خاصی است که زن از لحاظ مهر و نفقه و غیره دارد. مهر و نفقه را اموری لازم و مؤثر در استحکام زناشویی و تامین آسایش خانوادگی و ایجاد وحدت میان زن و شوهر است، و الغاء آنها، و خصوصاً نفقه، موجب تزلزل اساس خانواده و کشیده شدن زن به فحشاء است.

از این رو چون مهر و نفقه را لازم دانسته‌اند و به بدین لحاظ تحمیلی بر مرد شده است، اسلام می‌خواهد این تحمیل از طریق ارث جبران شود. بنابراین برای مرد دو برابر زن سهم الارث تعیین شده است. در نتیجه مهر و نفقه است که سهم الارث زن را تنزل داده است. (مطهری، شهید مرتضی، ۱۳۵۳، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۲۵۱، رشید رضا، سید محمد، تفسیر المنار، ج ۴، ص ۴۱۶)

میراث زوجه از زمین

در مباحث ارث اصل این است که هر وارثی از تمام ما ترک، سهم خود را به ارث برد، اما آنچه از اهل بیت (ع) به ما رسیده است، تخلف از این قانون کلی است در دو موضع میراث حبوه برای پسر بزرگ و میراث زوجه.

مشهور میان فقیهان شیعه این است که زوجه فی الجمله از زمین محروم است، اما روایات در این زمینه مختلف است که موجب اختلاف اقوال فقهاء متقدم و متأخر شده است.

ادله و نظریات مخالفین میراث زوجه از زمین

۱- سنت

یکی از ادله مخالفین میراث زوجه از زمین مانند ابن ادریس و دیگران، سنت می‌باشد آنها در بیان نظریه خویش چنین عنوان می‌کنند: در صورتی که ما و ظاهر قرآن باشیم و دلایل دیگر را در نظر نگیریم به زوجه از تمام ماترک ارث می‌دادیم اگر از این اعطاء کل عدول کرده‌ایم، به سبب اجماع و تواتر اخبار است، بنابراین زوجه از خاک ارث نمی‌برد. و از قیمت آن نیز بهره‌ای نخواهد برد، بلکه به منقولات و اعیان توجه کرده و قیمت آن را به زوجه پرداخت می‌کنیم. (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ هجری، السرایر، ج ۳، ص ۲۵۸، آبی، فاضل، ۱۴۰۸، هق، کشف الرموز، ص ۴۶۲، جزایری، سید عبدالله، خطی، التحفة السنیة، ص ۳۶۵)

۲- تخصیص قرآن

فقهاء مخالف برای اثبات نظریه خویش بحث تخصیص کتاب را مطرح می‌کنند و در واقع با این دیدگاه به بیان یک تفکر می‌پردازند. ایشان عنوان می‌کنند: به صورت متواتر از امامان معصوم (ع) روایت شده است که زن از زمین ارث نمی‌برد، اما قیمت بناء و اموال غیر منقول به او داده می‌شود. بر این اساس لازم است عام قرآن بوسیله این روایات تخصیص زده شود و نزد اهل علم تخصیص احکام عام قرآن یا خبری متواتر غیر عادی نیست. به ویژه اینکه اهل سنت نیز در موارد متعددی عمومات قرآن و ظاهر کتاب شریف را بوسیله اخبار آحاد و شاذ تخصیص زده اند؛ چه بسیار مواردی دیده شده است که اهل سنت بوسیله روایات مرسل از آحاد، کتاب را تخصیص زده و حتی برخی زیاده روی کرده و بوسیله ظن فاسدی که به نام «قیاس» است، کتاب را تخصیص زده‌اند. پس چگونه نتوان بوسیله عترت صادقین عمومات قرآن را مورد تخصیص قرار داد. (مفید، محمد بن نعمان، المسایل الصاغانیات، ص ۹۸)

۳- اجماع

مخالفین برای اثبات نظریه خویش به اجماع نیز استدلال کرده و مطالبی شبیه سخنان ابن ادریس که قبلاً ذکر کردیم، عنوان کرده‌اند. (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰ هجری، السرایر، ج ۳، ص ۲۵۸، بحرانی، شیخ یوسف، ۱۳۶۳، حدایق الناظره، ج ۲۰، ص ۵۰)

در این دیدگاه نکته‌ای قابل توجه است: این فقیهان ادعای اجماع می‌کنند که زوجه از زمین ارث نمی‌برد، در حالی که چنین اجماعی مخدوش است، چه، ما در بخش ادله موافقین، به نام و بیان فقهاء بزرگی از متقدمین و متأخرین اشاره خواهیم کرد، که به نوبه خویش می‌تواند نوعی اجماع برای موافقین میراث باشد.

۴- نظریه در معرض ازدواج بودن زوجه

یکی از ادله که فقیهان مخالف میراث زوجه از زمین مطرح می‌کنند و در واقع این دلیل فحوای یکی از روایات می‌باشد، این است که از آنجا که زن همواره در معرض ازدواج قرار دارد، اگر از زمین به او سهمی بدهیم، امکان دارد که او با ازدواج خویش کسانی را به خانه شوهر متوفی بیاورد که خوشایند مذاق بستگان آن شوهر نباشد. (نجفی، محمد حسن، ۱۳۶۷ جواهر الکلام، ج ۲۹، ص ۲۱۲، جزایری، سید عبدالله، خطی التحفة السنیة، نشر آستان قدس، ص ۳۶۵)

برخی دیگر از فقیهان در این باره عنوان کرده‌اند: اینکه از ائمه معصومین وارد شده است که زوجه در معرض ازدواج است و اگر زمین بدو به ارث رسد؛ او شوی خویش را در این خانه آورده و موجب ناراحتی بستگان شوی اول خویش خواهد شد؛ این تعلیل اگر چه در بسیاری موارد مصداق نداشته باشد، اما در هر صورت شاید حکمت بالغه دیگری در بین باشد که ما آن را دریافت نکرده باشیم. و اگر هم دلیل همان باشد، حکمت اقتضای حرمان از اصل زمین را می‌کند نه از قیمت آن (اردبیلی، مجمع الفائدة و البرهان، ج ۱۱، ص ۴۴۲)

فتاوی مراجع تقلید فعلی

تمام رساله‌های عملیه شبیه این متن را دارند.

«و زن از زمین خانه و باغ و زراعت و زمین‌های دیگر ارث نمی برد نه از خود زمین و نه از قیمت آن و نیز از خود هوایی خانه مانند بنا و درخت ارث نمی برد، ولی از قیمت آنها ارث می برد و همچنین است درخت و زراعت و ساختمانی که در زمین باغ و زراعت و زمینهای دیگر است.» (خمینی، آیت الله سید روح الله، توضیح المسائل، ص ۳۹۴ : خونی، آیت الله سید ابو القاسم، توضیح المسائل، ص ۵۰۸، گلپایگانی، آیت الله .. توضیح المسائل، ص ۴۷۵، اراکی، آیت الله، توضیح المسائل، ص ۵۱۷ : سیستانی، آیت الله سیدعلی، توضیح المسائل، ص ۵۹۰ : تبریزی، آیت الله میرزا جواد، توضیح المسائل، ص ۴۹۳، بهجت، آیت الله محمد تقی .. توضیح المسائل، ص ۴۴۹)

همانگونه که ملاحظه می شود مراجع تقلید از فتوای مشهور تبعیت کرده اند هر چند در فتوای حضرت آیت الله گلپایگانی و بهجت کمی تمایل به نظریه موافقین وجود دارد. (گلپایگانی، آیت الله، ۱۴۱۴ مجمع المسائل (فارسی) نشر دار القرآن قم، ج ۲، ص ۳۴۹)

روایات

ما در خاتمه این قسمت تنها به دو روایت از هفده روایتی که ظاهراً بر منع زوجه از زمین دلالت دارند، اشاره می کنیم:

وباسناده عن الحسن بن محمد بن سماعة، عن الحسن بن محبوب، عن علی بن رئاب، عن زرارة، عن أبي جعفر عليه السلام وخطاب أبي محمد الهمداني، عن طربال بن رجاء، عن أبي جعفر (عليه السلام) أن المرأة لا ترث مما ترك زوجها من القرى والدور والسلاح والدواب شيئاً، و ترث من المال والفرش والثياب ومتاع البيت مما ترك، و تقوم النقص والابواب والجدوع والقصب فتعطى حقها منه. زراره از امام باقر (ع) روایت می کند زوجه از آنچه که زوج به ارث گذاشت از قریه، خانه، سلاح و چهار پایان ارث نمی برد، و تنها از مال، فرش، لباس و متاع خانه می تواند سهمی به عنوان ارث دریافت کند و نیز مصالح ساختمان،

درب‌ها و چوب قیمت گذاری شده و حق زوجه از قیمت داده می‌شود. (حر عاملی، محمد حسین، ۱۴۱۴، وسایل الشیعه، ج ۱۷، باب ۶، ح ۱)

وعن سهل، عن علی بن الحکم، عن أبان الاحمر قال: لا أعلمه إلا عن میسر بیاع الزطی، عن أبی عبد الله علیه السلام قال: سألته عن النساء ما لهن من المیراث؟ قال: لهن قیمة الطوب والبناء والخشب والقصب، فأما الارض والعقارات فلا میراث لها، قال: قلت: کیف صار ذا ولهذه الثمن ولهذه الربع مسمی؟ قال: لان المرأة لیس لها نسب ترث به و إنما هی دخیل علیهم إنما صار هذا کذا لئلا تتزوج المرأة فیجئ زوجها أو ولدها من قوم آخرین فیزاحم قوما آخرین فی عقارهم. میسر بیاع از امام صادق (ع) سؤال کرد در خصوص زنان که میراث آنها چه مقدار می‌باشد، امام در پاسخ فرمودند: که آنها قیمت مصالح ساختمانی مانند خشت و چوب را دریافت می‌کنند، اما از زمین و عقار میراثی برای آنها نیست. (همان، ج ۱۷، باب ۶، ح ۳)

اصطلاحات

در روایات اصطلاحاتی بیان شده است که در ذیل بدان می‌پردازیم:

رباع: جوهری رباع را جمع ربع می‌داند که عبارت از خانه می‌باشد (جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۰۷، صحاح اللغة، ج ۳، ص ۱۲۱۱).

صاحب جواهر عنوان می‌کند که رباع میان لغویین به منزل معروف است. و از صاحب العین نقل می‌کند که وطن ربع نامیده می‌شود، زیرا شخص در آن تربیع می‌کند یعنی اطمینان پیدا می‌کند (نجفی، محمد حسن، ۱۳۶۷، جواهر الکلام، ج ۳۹، ص ۲۱۳).

در لسان العرب نیز آمده است که رباع به منزل و محل اقامت گفته می‌شود. (ابن منظور، لسان العرب، ج ۸، ص ۱۰۲)

ضیاع: در لغت ضیعه به معنی عقار است و جمع آن ضیاع می‌شود، و ضیاع را به زمین نیز معنی کرده‌اند (جوهری، اسماعیل بن حماد، ۱۴۰۷، صحاح اللغة، ج ۱۲، ص ۱۲۰۲) ضیعه مرد همان حرفه

و صناعه و معاش او می‌باشد و ضیاع انسان عبارت است از سرمایه او مانند نخل، درخت انگور و زمین و در واقع عرب ضیعه مرد را همان حرفه و صنعت و سرمایه کار او می‌داند. (ابن منظور، ۱۴۰۵، لسان العرب، ج ۸، ص ۲۳۰، ضیعة الرجل : حرفته و صناعته و معاشه و کسبه)

عقار: برای عقار معانی متعددی ذکر شده است، از جمله به نخل عقار گویند. و همچنین عنوان می‌شود (بیت کثیر العقار) یعنی خانه‌ای که دارای متاع زیادی باشد. (بن سکت اهوازی، ۱۴۱۲، ترتیب اصلاح المنطق، ص ۲۶۴) برخی آن را به نخل اختصاص داده‌اند. (ابن منظور لسان العرب، ۱۴۰۵، ج ۱۲، ص ۲۳۱) و برخی از فقیهان نیز عقار را به غیر منزل تعبیر کرده و آن را به نخل و سایر درختان تفسیر می‌کنند البته دسته‌ای عقار را به هر آنچه دارای اصل باشد مانند خانه و درخت، تعبیر کرده‌اند. (محمد حسن النجفی جواهر الکلام، ج ۳۹، ص ۲۱۳)

ادله و نظریات موافقین میراث زوجه از زمین

۱- خلاف اصل بودن تخصیص قرآن

یکی از ادله مخالفین میراث زوجه از زمین، روایات متضمن تخصیص قرآن می‌باشد، این اخبار را موافقین مورد انتقاد قرار دارد و عنوان نموده‌اند: میراث برای زن در کتاب به صورت عام بوده که مبتنی بر اعطاء سهم زوجه از تمام ماترک است و اگر بخواهیم زمین را از میراث زنان خارج کنیم، در واقع به تخصیص قرآن پرداخته و مخالف ظاهر عمل کرده‌ایم. بنابراین تخصیص، مخالف تفسیر قرآن است، زیرا هر آنچه قرآن را کمتر تخصیص زند. از اولویت برخوردار است. (حلی، علامه، یوسف بن مطهر، ۱۴۱۲، مختلف الشیعه، ج ۹، ص ۴۳) البته باید در نظر داشت که اگر مخصص معتبری در میان باشد، تخصیص کتاب جایز و معتبر است، اما در این بحث مخصص دارای معارض بوده و از قطعیت برخوردار نیست تا بتوان کبرای کلی کتاب را بدان سبب تخصیص زد.

۲- نظریه ثبوت میراث برای زوجه مطلقاً

برخی از فقیهان، موافق میراث زوجه از تمام اموال زوج هستند آنان در بیان نظریه خود، عنوان می‌کنند:

در بحث زوجه برخی از فقهاء عنوان می‌کنند که زوجه از رباع ارث نمی‌برد و باز هم جمعی دیگر از فقیهان برای جمع میان ظاهر قرآن و روایات، قیمت را مطرح می‌کنند و می‌توان نظر گروهی از فقهاء که به زوجه نصیب کامل رباع و زمینه را می‌دهند، توجه نمود. برخی دیگر از فقیهان ضمن اینکه نظریه فوق را مورد تأیید قرار می‌دهند، عنوان می‌کنند: منظور از آلات که در کلمات مؤلفین آمده همان آلاتی است که در بناء و ساختمان به کار رفته و دیگر تفاوتی نمی‌کند که این بناء از مواردی باشد که در سکونت استفاده شود مانند خانه و یا غیر آن مانند حمام و کارگاه و استبل (قمی، علی بن محمد، جامع الخلاف و الوفاق، ص ۴۰۰). برخی از حقوقدانان بیان کرده‌اند که بعضی از فقیهان معاصر، مانند مرحوم حاج آقا رحیم ارباب از فقهاء اصفهان، نیز به این نظریه تمایل داشته و از فقیهان دیگری نیز نام برده‌اند که بدلیل مشهور نبودن به ذکر نام آنها نمی‌پردازیم (زاخری، زین العابدی، ۱۳۵۲، ارث زن از دارایی شوهر، ص ۲۶، مهر پور، دکتر حسین، ۱۳۷۰، میراث زوجه در حقوق اسلام و ایران، ص ۱۳۱).

۳- نظریه ثبوت میراث برای زوجه دارای فرزند

موافقین میراث زوجه از زمین نظریه‌ای را مطرح کرده‌اند که بر اساس آن در صورت وجود فرزند حق زن به طور کامل پرداخت می‌شود، چه از زمین باشد چه از بناء. این نظریه طرفداران زیادی در میان فقیهان داشته با این کلمه فتوای آنها مورد توجه قرار نگرفته و مشهور تلقی نشده، و فتوای مخالفین مشهور گشته است. در هر صورت طرفداران این نظریه عنوان می‌کنند: بر اساس نظریه مشهور زن از زمین و مانند آن، چیزی به ارث نمی‌برد بلکه از قیمت بناء و مانند آن به او پرداخت می‌شود، و این حکم که زوجه از زمین ارث نمی‌برد در صورتی است که زن از شوهر خویش فرزندی نداشته باشد، و در صورت وجود

فرزند، حق زن به طور کامل پرداخت می‌شود، چه از زمین باشد چه از بناء؛ (مسکن و باغ). (طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، ۱۳۸۸، المبسوط، ج ۴، ص ۱۲۶، شهید الثانی، زین الدین، مسالک الافهام، ج ۱۳، ص ۱۹۱، ابن البراج، القاضی، ۱۴۰۶، المهذب، ج ۲، ص ۱۴۰، حلی، علامه، یوسف بن مطهر، ۱۴۱۲، مختلف الشیعه الخامسة: إذا كان للزوجة من المیت ولد، ورثت من جمیع ما ترک. ولو لم یکن، لم ترث من الارض شیئا، وأعطیت حصتها من قيمة الالات والابنية، شهید الثانی، زین الدین، مسالک الافهام، ج ۱۳، ص ۱۸۴، طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، ۱۳۸۸، المبسوط، نشر مکتبه الرضویه تهران ج ۴، ص ۱۲۶، آل بحر العلوم، سید محمد، ۱۳۶۲، بلغه الفقیه، مکتبه الصادق، تهران، ج ۳، ص ۸۳)

۴- نظریه ارث زوجه از قیمت زمین

یکی از نظریاتی که در کتب فقهی بدان پرداخته شده و طرفدارانی نیز داشته است، نظریه ارث زوجه از قیمت زمین است. صاحبان این نظریه عنوان می‌کنند: یکی از متفردات امامیه این است که زوجه از زمین شوهر خود ارث نمی‌برد، اما فقهاء از اهل سنت مخالفت نموده و بین زمین و غیره فرق نگذاشته‌اند. آنچه در نفس ما قوی جلوه می‌کند این است که به زوجه قیمت زمین و مانند آن پرداخت می‌شود. این فقیهان در تقویت نظریه خود عنوان می‌کنند: اگر ما به احتساب قیمت بپردازیم، هم به روایات عمل کرده و هم ظاهر کتاب از تخصیص سالم می‌ماند و نکته‌ای که در اینجا وجود دارد این است که روایاتی که از زوجه بخشی از میراث را حذف کرده‌اند، فقط به بیان تخصیص پرداخته ولیکن به احتساب قیمت و مانند آن اشاره نکرده‌اند.

بنابراین اگر به احتساب قیمت بپردازیم، هم به روایات عمل کرده و هم ظاهر کتاب از تخصیص سالم می‌ماند. (مرتضی، علم الهدی، الانتصار، ص ۵۸۲)

جمعی از فقیهان، در بخشی از سخنان خود عنوان می‌فرمایند: در میان نظریات فقهاء قول سید مرتضی نیکو است زیرا در قول سید جمع میان قرآن و روایات لحاظ شده است. (حلی، علامه، یوسف بن مطهر، ۱۴۱۲، مختلف الشیعه، ج ۹، ص ۴۳)

۵- تفسیر محرومیت زوجه از ارث به عصر صدر اسلام

یکی از موافقین میراث زوجه، نکتهٔ زیبایی مطرح کرده است و به دلیل با اهمیت بودن مطالب ایشان، ما به صورت کامل آن را ذکر می‌کنیم که صاحب جواهر نیز به همین دلیل تمام متن او را ذکر کرده است: از اهل بیت (ع) مطالب مجملی وارد شده است که ندیدیم کسی آن را تفسیر کند، از این رو بر بسیاری از مردم بدان خاطر شبهاتی وارد شده است که ما مناسب دیدیم معانی این کلمات را واضح نماییم.

اگر چه ما در این کتاب بنای بر ایضاح مشکل و مانند آن نداشته‌ایم، اما با توجه به اینکه ظاهر این مسائل با کتاب و سنت و اجماع مخالف است؛ بدان پرداخته‌ایم. از جمله مسائلی این است که از امام صادق (ع) و امام باقر (ع) روایت شده است که زنان از زمین ارث نمی‌برند و تنها از قیمت منقولات به آنها داده می‌شود. این از مواردی است که اگر بر اساس ظاهر به آن حکم شود، مخالف کتاب، سنت و اجماع می‌باشد. در واقع این احادیث تأویل دارند و آن زمینهای مفتوحه عنوه/گشایش یافته بواسطه جنگ/ می‌باشند. زیرا این زمینها در ازاء جهاد رزمندگانی که این زمینها را از دست کفار آزاد کرده بودند، به آنها داده می‌شد و برای مسلمانها در مقابل کفار و مشرکین تقویت محسوب می‌گردید.

امامان این زمینها را برای مردان در نظر گرفتند تا با ملکیت مردان بر زمینهای مفتوحه موجب قدرت و شوکت برای رزمندگان شود. و این از مسائلی است که غیر از آن سخن دیگری درست نیست. (نعمانی، ابوحنیفه، ۱۳۸۳، دعایم الاسلام، ج ۲، ص ۳۹۶)

روایات

موافقین عموماً دو روایت در اثبات دیدگاه خویش بیان می‌کنند که این دو خبر به عنوان مخصص روایات سابق محسوب می‌گردد.

صاحب وسایل الشیعه که دیدگاههای خود نسبت به روایات و فتاوی فقهای را در سر فصل هر باب ذکر کرده و در واقع عناوینی که ایشان بیان می‌فرمایند، همان نظرات ایشان است مانند همین بحث که ایشان عنوان نمودند:

(باب ان الزوج یرث من کل ما ترکت زوجته وکذا جمیع الوراثة. وکذا الزوجة التی لها منه ولد. باب اینکه زوج از تمام ماترک زوجه ارث می‌برد و همچنین زوجه‌ای که دارای فرزند است.)

۱ - محمد بن الحسن باسناده عن الحسين بن سعيد، عن فضالة، عن أبان عن الفضل بن عبد الملك (وابن أبي يعفور)، عن أبي عبد الله (عليه السلام) قال: سألت عن الرجل هل یرث من دار امرأته أو أرضها من التربة شيئاً؟ أو يكون فی ذلك بمنزلة المرأة فلا یرث من ذلك شيئاً؟ فقال: یرثها وترثه من کل شیء ترک وترکت. وحمله أيضاً هو والصدوق وغيرهما علی ما إذا كان للمرأة ولد لما یأتی ابن ابی یعفور از امام صادق (ع) روایت می‌کند که از امام سؤال کردم که آیا مرد از اموال همسرش ارث می‌برد یا مانند زن است که هیچ چیز نبرد؟ امام در پاسخ فرمودند: مرد و زن هر دو از تمام اموال یکدیگر ارث می‌برند (حر عاملی، وسایل الشیعه، باب ۷، از ابواب میراث ازواج حدیث ۱).

شیخ طوسی و صدوق و دیگران این روایت را بدان حمل کردند که زن دارای فرزند باشد. (همان مأخذ)

۲ - وباسناده عن محمد بن أحمد بن یحیی، عن یعقوب بن یزید، عن ابن ابی عمیر، عن ابن اذینة فی النساء إذا كان لهن ولد اعطین من الرباع. ورواه الصدوق باسناده عن محمد بن ابی عمیر.

ابن ابی عمیر از عمر بن اذینه نقل می‌کند که زنان در صورتی که فرزند داشته باشند از زمین ارث می‌برند. (حر عاملی، وسایل الشیعه، باب ۷ از ابواب میراث ازواج، ج ۲)

از آنجا که امکان داشت برخی گمان کنند که مقطوعه عمر بن اذینه اصلاً روایت نیست، صاحب مستدرک چنین پاسخ می‌دهد: ظاهر این است که این روایت خیر بوده و این از شهادت صدوق به دست می‌آید، زیرا صدوق وقتی طایفه اول از اخبار را آورده بود، سپس به بیان خبر معارض پرداخت که زن و شوهر از تمام اموال یکدیگر ارث می‌برند و شیخ صدوق در ذیل این روایت فرمودند: این در صورتی است که زن از شوی خویش فرزند داشته باشد. اما اگر فرزندی نداشته باشد از زمین ارث نمی‌برد، و تصدیق این سخن روایت ابن ابی عمیر از ابن اذینه است که زنان در صورتی که فرزندی داشته باشند، از زمین ارث می‌برند. و این نظریه شیخ صدوق در مورد میراث زوجه اقوی می‌باشد. (نوری، میرزا حسین، ۱۴۰۸، مستدرک الوسائل ج ۱۷، ص ۱۹۶)

نتیجه و نظریه

پس از بیان روایات موافق و مخالف و دیدگاه‌های فقهای که در دو گروه موافقین و مخالفین قرار گرفته بودند، می‌توان مطالب ذیل را به عنوان نتیجه بیان کرد:

۱- نص کتاب

آنچه که همواره بسان خورشیدی درخشان بر فراز مباحث این موضوع نور افشانی می‌کند و وجود آن غیر قابل انکار بوده و دلالت آن چون وجودش روشن و تابناک می‌باشد، آیه (ولهن الربع مما ترکتم ان لم یکن لکم ولد) (سوره نساء، آیه ۱۲) بوده و بر این اساس یکی از مهمترین ارکان استدلال موافقین میراث زوجه از زمین، که کتاب حکیم است، مهیا می‌باشد که مانعین میراث برای فایق آمدن بر این دلیل نتوانستند آیه‌ای اقامه کنند. بنابراین دست مانعین از کتاب برای استدلال کوتاه است و لذا مناسب است توضیح بیشتری در این خصوص ارائه دهیم. خداوند متعال در سوره نساء با الفاظی صریح متعرض میراث زوج و زوجه گشته است که آیه چنین می‌باشد: پس از اجرای مفاد وصیت یا ادای بدهیها، برای

شماست نیمی از آنچه زنان شما بر جای گذاشته‌اند، اگر ایشان فرزندی نداشته باشند و اما اگر فرزند داشته باشند، در این صورت برای شما یک چهارم ترکه خواهد بود و برای ایشان است یک چهارم از آنچه شما شوهران بر جای گذاشته‌اید، اگر برای شما فرزندی نبوده باشد و اگر شما فرزندی داشته باشید، در این صورت به همسران شما یک هشتم از آنچه بر جای گذاشته‌اید، به میراث می‌رسد، البته این حکم پس از اجرای مفاد وصیت و ادای دیون ایشان است.

(«وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمْ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوَصِّينَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَ لَهُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمْنُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ... »: آیه ۱۲، سوره نساء)

آیه شریفه در بردارنده معانی است که در بعضی از آنها نص و در بعضی ظاهر است، بدین ترتیب که: اولاً، آیه شریفه می‌فرماید اگر زوج فرزند نداشته باشد، نصیب زوجه یک چهارم ماترک و اگر فرزند داشته باشد یک هشتم ماترک خواهد بود. روشن است که در مورد نصیب یک چهارم و یا یک هشتم، آیه صراحت داشته و اظهر من الشمس است، به عبارت دیگر، نص بوده نه ظاهر، بنابراین مخالفت با آن ولو به نحو تخصیص به هیچ وجه جایز نیست.

ثانیاً، آیه در مورد نصیب زوجه، تفصیلی بین اموال زوج که زمین باشد یا غیر آن نداده و بلکه عبارت «مما ترکتم» که تکرار نیز گشته ظهور دارد در اینکه تفصیلی بین افراد ترکه نیست بدین معنی که زوجه از عین هر آنچه زوج به جای گذاشته ارث می‌برد، چه خانه و زمین باشد و چه غیر آن. آنچه استفاده این معنی را از آیه تقویت می‌کند آن است که: اولاً، سیاق این فراز از آیه با فراز قبلی که در مورد میراث زوج است و نیز فرازهایی از آیه قبل که در مورد میراث بنت و بنات و ابوین است یکسان می‌باشد و درباره موارد قبل کسی تفصیل نداده است.

ثانیاً، خداوند متعال می‌فرماید: در اینکه مردان و زنان نصیب خود را از کم و زیاد ترکه، هر چه که باشد می‌برند و چیزی مستثنی نبوده و چیزی نیز اختصاص به احد ورثه ندارد. دلالت آیه بر این معنی، یعنی عدم تفصیل در ترکه به نحو ظهور است. ثالثاً، زوجه در آیه مطلق است و تفصیلی بین اینکه ذات ولد باشد و غیر آن داده نشده است؛ بنابراین، آیه با اطلاقش ظهور در جمیع زوجات دارد. خلاصه اینکه بر اساس این آیه نصیب زوجه مطلقاً (چه ذات ولد باشد و چه غیر آن) یک چهارم از تمام اموال او خواهد بود و اما اگر زوج فرزند داشته باشد (چه از آن زن و چه از دیگری) در این صورت نصیب زوجه یک هشتم از تمام اموال او خواهد بود.

۲- وجود فرزند رافع قبیح

اینکه عنوان نموده‌اند که زوجه اگر از زمین ارث برد از آنجا که زوجه در معرض ازدواج قرار دارد و شوهر جدید خود را در زمین میراثی خود سکونت می‌دهد و این به مذاق بستگان شوهر متوفی خوشایند نیست با دیدگاه فقهایی که مانند شیخ طوسی و دیگران که با وجود فرزند، حق زوج را از زمین ثابت می‌دانند رد می‌شود به این دیدگاه که وجود فرزند قبیح سکونت زوج دوم را از بین برده و دیگر نمی‌توان به این بهانه زوجه را از میراث منع نمود.

۳- پاسخ نقضی

اینکه گفته می‌شود زوجه همواره در معرض ازدواج است و نباید از زمین ارث ببرد، پاسخ نقضی در پی دارد به این تقریر که زوج نیز که از زمین زوجه ارث می‌برد همواره در معرض ازدواج است. بلکه این حالت بیش از ازدواج زوجه مصداق دارد، در حالیکه ما با این توجیه زوج را از میراث در زمین منع نمی‌کنیم.

۴- اقتصار بر قدر متیقن

در تخصیص کتاب به وسیله روایات قاعده ای وجود دارد که: در تخصیص عمومات قطعیه باید بر قدر متیقن اقتصار نمود و بر این اساس آنچه که در روایات مانعه وارد شده است، محرومیت زوجه از زمینی است که در آن سکونت می کنند و این محرومیت را نباید به زمین و باغ و بستانی که محل سکونت نیست سرایت داد.

۵- جمع میان روایات

در صورتی که به جمع میان روایات موافق و مخالف پرداخته شود، می توان این نظریه را به عنوان نقطه جمع مطرح نمود که اگر زوجه دارای فرزند باشد از زمین به او ارث داده می شود و با چنین تفصیلی تخصیص کمتری نیز به قرآن وارد شده و جمع میان نصوص نیز صورت می پذیرد.

۶- منع از عین زمین

ما در میان روایات؛ روایتی که بصورت صریح و مشخص زن را از قیمت زمین منع کند؛ موردی ندیده و تنها این روایات ناظر به منع از عین زمین هستند که آنهم در برخی از روایات وجود ندارد. خصوصاً اینکه بر اساس اعتراف برخی از فقیهان مخالف ما، روایات تنها زن را از زمین خانه ای که زن و مرد در آن زندگی می کردند منع نموده اند ولیکن بعداً فقهاء تمام زمینها و باغ و ضیاع را اضافه کرده اند. (... والحق بعض أصحابنا جمع الارضین من البساتین والضحایع وغیرها.... بحرالعلوم. السید محمد، بلغة الفقیه، ج ۳، ص ۸۴)

نظریه نهایی

موارد فوق نکاتی بود که به مجموع ادله باز می گشت ولیکن در نهایت می توان گفت: اینکه زوجه از ارث در زمین بطور مطلق محروم باشد، دیدگاهی است که نمی توان به

سادگی آن را پذیرفت. بلکه به نظر می‌رسد با در نظر گرفتن مجموع أدله مناسب‌تر است که بگوییم: ما در اصل بردن میراث از سوی زوجه به اطلاق آیه عمل می‌کنیم و با توجه به اینکه ۱۷ روایت در تخصیص آیه وارد شده است، به این اخبار توجه می‌کنیم. از آنجا که این اخبار بنا به اعتراف بسیاری از موافقین، برخی در دلالت و برخی در سند قصور دارند و از سویی دیگر مبتلا به معارض نیز می‌باشند، صلاحیت تخصیص آیه را ندارند. بنا براین اصل ارث از زمین ثابت است.

حال با توجه به اینکه مجموع این اخبار را نمی‌توان نادیده گرفت، یک بار به جمع این ۱۷ روایت با آیه می‌پردازیم و بار دیگر به جمع با آن دو روایت. اولاً: در جمع با آیه نظریه سید مرتضی متین است که فرمودند: ارث از قیمت زمین طریق جمع میان آیه و این اخبار است. که نظریه سید مورد قبول بسیاری از جمله علامه و غیره قرار گرفته است. ثانیاً: در جمع میان این ۱۷ خبر و آن دو روایت نیز به جمع مشهور توجه می‌کنیم: که زوج در صورتی که دارای فرزند باشد، از زمین ارث می‌برد.

بنابراین در صورتی که زوجه، فرزندی از شوهر خود داشته باشد، علاوه بر قیمت منقولات، از قیمت زمین نیز براساس سهام مفروض (یک هشتم) ارث می‌برد.

مآخذ ومنابع:

- قرآن كريم.
- آبي، فاضل، ١٤٠٨، كشف الرموز، جامعه المدرسين، قم.
- آل بحر العلوم، سيد محمد، ١٣٦٢، بلغه الفقيه، مكتبه الصادق تهران.
- ابن ادريس حلي، ١٤١٠ هجري السراير، قم جامعه المدرسين رقم ٥٦٠.
- ابن منظور، ١٤٠٥، لسان العرب، نشر ادب الحوزه.
- ابن براج، القاضي، ١٤٠٦، المهذب، نشر جامعه المدرسين، ٣٥٧.
- ابو يقظان، حكم الميراث في الشريعة الاسلاميه.
- اردبيلي، محقق، ١٤١٤، مجمع الفائده و البرهان، طبع الجامعه المدرسين.
- بحراني، شيخ يوسف، ١٣٦٣، حدايق الناظره، جامعه المدرسين، قم.
- توضيح المسائل مراجع عظام تقليد.
- جزايري، سيد عبدالله، خطي، التحفة السننيه، نشر آستان قدس.
- جعفرى لنگرودي، محمد جعفر، ١٣٥٥، دوره حقوق مدني، ارث، انتشارات تهران.
- جمعي از محققين، ١٣٧٩، دايره المعارف بزرگ اسلامي، ج ٧، نشر تهران.
- جوهرى، اسماعيل بن حماد، ١٤٠٧، صحاح اللغة، بيروت، دار العلم للملايين.
- حر عاملي، محمد حسين، ١٤١٤، وسايل الشيعه الى تحصيل مسائل الشريعه، مؤسسه آل البيت قم.
- حلي، علامه، يوسف بن مطهر، ١٤١٢ مختلف الشيعه، قم نشر جامعه المدرسين.
- رشيد رضا، سيد محمد، تفسير المنار، دارالمعرفه بيروت.
- زاخري، زين العابدي، ١٣٥٢، ارث زن از دارايي شوهر، انتشارات تبريز.
- شهيد الثاني، زين الدين، ١٤١٥، مسالك الافهام، نشر مؤسسه المعارف الاسلاميه.
- طباطبائي، سيد علي، ١٤١٢، رياض المسائل، قم جامعه المدرسين.

- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، ۱۳۸۸، المبسوط، نشر مکتبه الرضویه تهران.
- همو، النهایه، قم نشر قدس محمدی.
- حلی، علامه، یوسف بن مطهر، ۱۴۱۲، مختلف الشیعه، قم نشر جامعه المدرسین.
- قمی، علی بن محمد، جامع الخلاف و الوفاق.
- همو، ۱۴۰۴، تفسیر القمی، مؤسسه دارالکتاب قم.
- کریستین سن، پرفسور آرتور، ترجمه ی رشید یاسمی، ۱۳۵۱، ایران در زمان ساسانیان، نشر تهران.
- گلپایگانی، ۱۴۱۴ مجمع المسائل (فارسی) نشر دار القرآن قم.
- لجنه تحقیق، ۱۳۸۹ ه.ق. موسوعه جمال عبد الناصر، مجلس اعلا مصر.
- مرتضی، علم الهدی، ۱۴۱۵، الانتصار، جامعه المدرسین، قم.
- مطهری، شهید مرتضی، ۱۳۵۳، نظام حقوق زن در اسلام، نشر تهران.
- مفید، محمد بن نعمان، المسایل الصاغانیات.
- مهر پور، دکتر حسین، ۱۳۷۰، میراث زوجه در حقوق اسلام و ایران، نشر اطلاعات.
- نجفی، محمد حسن، ۱۳۶۷ جواهر الکلام قم دار لکتب الاسلامیه.
- نعمانی، ابوحنیفه، ۱۳۸۳ دعایم الاسلام، بیروت طبع دارالمعارف، بیروت.
- نوری، میرزا حسین، ۱۴۰۸ مستدرک الوسایل، قم طبع مؤسسه اهل البیت.